



The conceptual relationship of "explanation jihad" and "demanding" in the system of thought of Ayatollah Khamenei

Mahdi Abbasi Shahkooh¹ | Zahed Ghafari Hashjin²

1. PhD student of Political Studies of Islamic Revolution, Department of Political Studies of Islamic Revolution, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran; Email: mahdi.abbasi@shahed.ac.ir

2. Professor of the Department of Political Science and Political Studies of the Islamic Revolution, Shahid University, Tehran, Email: jalalvand61@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 13 April 2023

Received in revised form: 06 June 2023

Accepted: 06 June 2023

Published online: 06 June 2023

Keywords:

Islamic Revolution,
Ayatollah Khamenei,
Ideology, Explanation Jihad,
Demands, Social Change.

ABSTRACT

With ideals of justice, republicanism, legalism, honor, independence, freedom, Islamism, and the like, the Islamic revolution could achieve victory, and ideology, constitution, and system building also arose from this foundation. The difficulty for many political systems in achieving the goals of their ideology and belief system is the stagnation and freezing that has occurred as an outcome of social and generational changes, which diminishes their social control and persuasive power, and can lead to conflict between the state and the nation. Something that can also occur or exist in the Islamic Republic. In this regard, the supreme leader of the Islamic Revolution has linked ideology and ideals by proposing the two concepts of "explanation jihad" and "demanding" in an effort to preserve and propagate the ideology upon which the Islamic Revolution is founded. What is the relationship between the concepts of demand and explanation jihad in Ayatollah Khamenei's worldview? The method of information collection is documentary, and data analysis is based on the documentary analysis method. The opinions of thinkers such as Mannheim in analyzing the relationship between ideology and utopia, Inglehart and Roche in generational and social change, and other theorists to explain the relationship between ideology and ideals. In Ayatollah Khamenei's thought, the concept of demanding and elucidating the truth has been incorporated. In Ayatollah Khamenei's thought, Jihad means understanding the ideology of the Islamic Revolution in society, and demanding means pursuing idealism and constant dynamics within the ideology of the Islamic Revolution, according to the article's researchers.

Cite this article : Abbasi Shahkooh, M., & Ghafari Hashjin, Z. (2023). The conceptual relationship of "explanation jihad" and "demanding" in the system of thought of Ayatollah Khamenei. *Journal of Social Theories of Muslim Thinkers*, 13(1):37-54.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.355812.1596>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.355812.1596>

نسبت مفهومی «جهاد تبیین حقیقت» و «مطالبه گری» در منظومه اندیشگی آیت الله خامنه‌ای مهدی عباسی شاهکوه^۱ | زاهد غفاری هاشجین^۲

۱. دانشجوی دکتری مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران رایانامه: mahdi.abbasi@shahed.ac.ir
۲. استاد گروه علوم سیاسی و مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران. رایانامه: ghafari@shahed.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	انقلاب اسلامی با آرمان‌های عدالت، جمهوریت، قانون‌گرایی، عزت، استقلال، آزادی، اسلامیت و نظایر آن توانست به پیروزی برسد و محل ساخت ایدئولوژی، قانون اساسی و نظام‌سازی نیز بر همین اساس پدیدار شد. چالش بسیاری از نظام‌های سیاسی در تحقق اهداف ایدئولوژی و نظام اعتقادی خود، ایستایی و انجمادی است که به دنبال تغییرات اجتماعی و تغییر نسلی در جامعه پیش می‌آید و توان کنترل اجتماعی و قدرت اقناعی آن را کاهش می‌دهد که می‌تواند به تضاد دولت-ملت منجر شود. امری که برای جمهوری اسلامی نیز می‌تواند حادث شود یا موجود باشد. در این راستا اما رهبر انقلاب اسلامی با طرح دو مفهوم «جهاد تبیین» و «مطالبه‌گری» میان ایدئولوژی و آرمان پیوند زده است و تلاش می‌کند تا آنچه ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر آن استقرار یافته را حفظ کند و استمرار بخشد. مسئله پژوهش حاضر این است که «چه نسبتی میان دو مفهوم مطالبه‌گری و جهاد تبیین در نظام اندیشگی آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد». روش جمع‌آوری اطلاعات، اسنادی است و تحلیل داده‌ها نیز براساس روش تحلیل اسنادی و با استفاده از آرای اندیشمندی چون مانهایم در تحلیل نسبت ایدئولوژی و آرمان، اینگلهارت و روشه در تغییر نسلی و اجتماعی و سایر نظریه‌پردازان برای توضیح نسبت مفهومی مطالبه‌گری و تبیین حقیقت در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای انجام گرفته است. مطابق نتایج، در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، جهاد تبیین به معنای ادراک ایدئولوژی انقلاب اسلامی در جامعه و مطالبه‌گری به معنای آرمان‌خواهی و پویایی مداوم در ایدئولوژی انقلاب اسلامی است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۴	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶	
کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، انقلاب اسلامی، ایدئولوژی، تغییر اجتماعی، جهاد تبیین، مطالبه‌گری.	

استناد: عباسی شاهکوه، مهدی؛ غفاری هاشجین، زاهد. (۱۴۰۲). نسبت مفهومی «جهاد تبیین حقیقت» و «مطالبه گری» در منظومه اندیشگی آیت الله خامنه‌ای.

فصلنامه علمی نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۱۱۳(۱): ۳۷-۵۴. <https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.355812.1596>



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. © نویسندگان.

<https://doi.org/10.22059/jstmt.2023.355812.1596>

۱. مقدمه و طرح مسئله

مسئله ایستایی ایدئولوژی‌ها به معنای انجماد دستگاه فکری نظام سیاسی، موضوع بغرنجی است که به‌موجب بسته‌بودن ساختار تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی، تک‌طبقه‌بودن هیئت حاکم، فساد ساختار-کارگزار و البته با بروز تغییر نسلی و تغییرات اجتماعی حاصل از بروز تفکرات جدید، رسانه‌های داخلی و خارجی (به‌ویژه متخصص)، فناوری‌های نوین و... بروز یافته که نتیجه آن تضاد میان دولت و ملت، کاهش قدرت اقناعی و احتمالاً سرکوب اجتماعی از سوی دولت‌ها است؛ امری که در جوامع ساده کمتر رخ می‌دهد، اما در جوامعی با ساختارهای پیچیده بیشتر مشاهده می‌شود. شاهد این مدعا نیز نظام سیاسی پهلوی و وقوع انقلاب اسلامی است.

انقلاب اسلامی با آرمان‌های عدالت، جمهوریت، قانون‌گرایی، عزت، استقلال، آزادی، اسلامیت و نظایر آن توانست به پیروزی برسد و محمل نظام‌سازی نیز بر همین اساس پدیدار شد، اما هر نظام سیاسی چنان‌که گفته شد باید بتواند برای دستیابی به اهداف و آرمان‌های خود، از انجماد و تضاد میان خواسته‌های خود با خواسته‌های اجتماعی جلوگیری و قدرت اقناعی و ادراکی خویش را به‌صورتی مداوم بازنمایی کند. در غیر این صورت ممکن است توان «کنترل اجتماعی» با چالش مواجه شود. درواقع ایدئولوژی‌ها به‌عنوان باید‌ها و نباید‌هایی که از سوی دولت و نظام سیاسی تعیین می‌شود، جامعه را بر همان اساس، کنترل و به پیروی، همراهی و سازواری وامی‌دارد. این در حالی است که تضاد میان عناصر ایدئولوژیک با آرمان‌ها و خواسته‌های اجتماعی به رویارویی یا گسست میان دولت و جامعه منجر می‌شود.

در این راستا اما رهبر انقلاب اسلامی با طرح دو مفهوم «جهاد تبیین» و «مطالبه‌گری» میان ایدئولوژی و آرمان پیوند می‌زند و می‌کوشد تا آنچه ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر آن استقرار یافته را حفظ کند و استمرار بخشد. بر همین اساس پرسش اصلی نوشتار حاضر این است که «چه نسبتی میان دو مفهوم مطالبه‌گری و جهاد تبیین در نظام اندیشگی آیت‌الله خامنه‌ای وجود دارد». مطابق فرضیه تحقیق، «در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای، جهاد تبیین به معنای ادراک ایدئولوژی انقلاب اسلامی است و مطالبه‌گری به معنای آرمان‌خواهی و پویایی ایدئولوژی انقلاب اسلامی است».

۲. پیشینه پژوهش

درباره مفهوم جهاد تبیین، مقالاتی چند از سوی پژوهشگران به رشته تحریر درآمده است. عزیزی و پیرانی (۱۴۰۱) در مقاله «کاربست نرم‌افزاری فضای مجازی در جهاد تبیین» به بحث فراگیری فضای مجازی و مخاطرات آن نسبت به سلطه نظام استکباری و جنگ نرم علیه جمهوری اسلامی پرداختند و بر ضرورت جهاد تبیین در این حوزه به‌عنوان مکمل و سلاح تأکید کردند. جدانی (۱۴۰۱) در مقاله «بایسته‌های مهارتی جهادگران تبیین از منظر اسلام» با درنظرگرفتن ضرورت پاسخ به شبهات به اصل جهاد تبیین پرداخت و بر ویژگی‌های علم و حکمت، انگیزه و دغدغه، تقوا، انصاف، عدالت، صبر و شجاعت به‌عنوان الزامات و نیز مهارت‌های ارتباطی و روشی را از آیات قرآن به‌عنوان مهارت‌های مورد نیاز جهادگر تبیین معرفی کرد. حیائی و حیائی (۱۴۰۱) در مطالعه «گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای» جهاد تبیین را مصداق نظریه دفاعی آیت‌الله خامنه‌ای به‌مثابه حفظ کیان اسلام دانست. عمانی، پورقهرمانی و بیگی (۱۴۰۱) در مقاله «جهاد تبیین؛ راهبردی پیشگیرانه در قابل تفکر اجباری ناشی از فناوری هارپ» با پرداختن به تفکر اجباری که قصد دارد از طریق فناوری هارپ ذهن بشر را تصرف کند تا به منافع خود دست یابد، جهاد تبیین را به‌مثابه استراتژی پیشگیرانه در برابر خطر مذکور معرفی کرد. قنبری (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیلی بر جریان تطهیر حکومت پهلوی و واکاوی فرمان جهاد تبیین در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی» به موضوع تهاجم ترکیبی علیه تاریخ انقلاب پرداخت و جهاد تبیین را مقابل آن دانست.

عیسی‌نیا (۱۳۹۹) در مطالعه «جهاد تبیین در زمانه جمهوری اسلامی ایران و نقش روحانیت در آن» نیز به مسئله سوژگی در جهاد تبیین پرداخت و روحانیت را به‌عنوان بزرگ‌ترین و قوی‌ترین نیروی اجتماعی در جامعه ایرانی، موظف به برعهده‌گرفتن نقش تبیین‌گر اسلام و نظام اسلامی وصف کرد.

هدف از تحقیق حاضر، آشنایی با این بعد از اندیشه رهبری و فهم نگرش ایشان درمورد نسبت آرمان‌های اجتماعی با ایدئولوژی انقلاب اسلامی است. همچنان که ذکر شد، تا به حال مقالات و آثار مکتوب بسیاری در حوزه فهم اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای تألیف شده است، اما از منظر ایدئولوژی-آرمان به این اندیشه نگریسته نشده و همچنین دو مفهوم تبیین حقیقت و مطالبه‌گری در کنار هم معنا، تبیین و ادراک نشده است.

۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله حاضر براساس ادبیات ایدئولوژی و آرمان، واپایش اجتماعی و تغییر اجتماعی البته با تأکید بر تغییر نسلی شکل گرفته است؛ به‌صورتی که نویسندگان می‌کوشند از این مفاهیم در نسبت‌سنجی مفهومی «جهاد تبیین» و «مطالبه‌گری» بهره‌مند شوند. در ادامه مفاهیم بنیادین چارچوب نظری بررسی می‌شود.

۳-۱. ایدئولوژی و آرمان

دو مفهوم اصلی در این نوشتار «ایدئولوژی» و «آرمان» است. طبق دیدگاه مانهایم، برای ادراک «ایدئولوژی» و «آرمان» باید در احساسات و انگیزه‌های گروه‌هایی که برای تسلط بر واقعیت تاریخی مبارزه می‌کنند، مشارکت داشت (مانهایم، ۱۳۸۰: ۲۶۲). با این وصف، هدف نهایی آرمان‌های اجتماعی را می‌توان پریشان‌ساختن هرگونه اعتقادی دانست که خواهان هم‌نوایی با واقعیت موجود است (مانهایم، ۱۳۸۰: ۳۱۴-۳۱۵). از طرفی ایدئولوژی را می‌توان نظامی متصلب مشتمل بر مجموعه‌ای از عقاید سیاسی عمل‌مدار^۱ دستگاه حاکم در نظر گرفت (Scruton, 1982: 213)؛ بنابراین ایدئولوژی از دو وجه اصلی مشروعیت‌بخشیدن و سپس اسطوره-وحدت‌سازی برخوردار است (Scruton, 1982: 213). ایدئولوژی در راستای عمل سیاسی چهار نقش «توضیحی»، «ارزشیابی»، «جهت‌دهی» و «برنامه‌ای» را برای پیروان برعهده می‌گیرد (بال و دگر، ۱۳۸۶: ۷) و این ایدئولوژی‌ها هستند که مشخص می‌کنند ارزش و ضد ارزش چیست (وینست، ۱۳۸۶: ۳۲).

در برابر ایدئولوژی دولت‌ها که قوانین، ارزش‌ها و الزامات خاصی را مورد تأکید دارند، آرمان‌ها از درون جامعه و «قواعد مورد پسند اجتماعی» می‌جوشند (اصیل، ۱۳۹۳: ۱۷۴-۱۸۳). دولت در مصادف با این آرمان‌ها تلاش می‌کند سلطه‌اش را بی‌بدیل سازد و مشروعیت خود را بازیابد. زمانی که ایدئولوژی به تغییر و اصلاح روی می‌آورد ممکن است با تضاد، شکاف و منازعه با آرمان‌های اجتماعی مواجه شود (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۱۴). همچنین ایدئولوژی باید قابلیت دسترسی و اعتبار داشته باشد؛ امری که در گذر زمان می‌تواند مخدوش شود؛ چرا که آرمان‌ها به‌دلیل سیالیت می‌توانند هر روز در دسر جدیدی برای ایدئولوژی بیافرینند. ایدئولوژی‌ها در هنگام تولد، بر مدار آرمان‌های فراگیر و مسلط درون جامعه شکل می‌گیرند و مدعی پاسخ عینی به این آرزوها هستند، اما از آنجا که آرمان‌ها داری خصوصیت سیالیت و پویایی هستند که با وجود مؤلفه‌هایی چون توسعه یا تغییرات نسلی (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹:

^۱. Oriented Action

^۲. Trance ball & Richard Dagger.

۱۴۶ - ۱۳۹)، روزآمد می‌شوند و احتمالاً تغییر می‌کنند، شرایط جدیدی پدیدار می‌شود که ایدئولوژی بر وفق، تناظر و سازش با آن‌ها حرکت نمی‌کند. در واقع ایدئولوژی دائماً از آرمان عقب می‌افتد و همین امر نارضایی اجتماعی را به همراه دارد.

۳-۲. کنترل اجتماعی

ایدئولوژی‌ها برای دستیابی به اهداف باید بتوانند منطبق بر هویت و ذات خود، نظم اجتماعی ایجاد کنند و به زبان ساده بتوانند مردم را به کاری که می‌خواهند وادارند. مفهوم کنترل اجتماعی ناظر بر این نکته هستند که «قراردادهای اجتماعی» همگی برساختهٔ «نظم اجتماعی» هستند و هر کس برخلاف این قواعد رفتاری عمل کند، موجودی «غیرقانونی»^۱ است (Ngo, 2011). افزون بر این، مترادف منازعهٔ سازمان‌های اجتماعی بر سر تخصیص آمرانهٔ ارزش‌ها است (بلوم، ۱۳۷۲: ۵۷۳) که در دو قالب «مثبت» (پاداش) و «منفی»^۲ (تنبیه) (Young, 1930) و «رسمی» (اقدامات حکومتی) و «غیررسمی» (فشار افکار عمومی) دسته‌بندی می‌شوند (Ross, 2009). در این راستا دولت می‌کوشد با استفاده از تمام ابزارهای ایدئولوژیکی چون نظام آموزشی و رسانه‌های نوین توان کنترل اجتماعی را مضاعف کند و به معناسازی دست بزند (فیسک، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۱۷). در نگاهی دیگر، کنترل اجتماعی ارزش و اعتباری است که نهادهای اجتماعی بر سر کسب آن در محیط منازعه مبارزه می‌کنند. دولت در رقابت با سازمان‌های قدرتمند اجتماعی برای نظم‌بخشیدن به امور و هدایت رفتار افراد جامعه باید بتواند راهبردهای برزیستن کارآمدتر و جذاب‌تری (شامل نمادها، پاداش‌ها و مجازات‌ها) ارائه کند (Migdal, 1988: 23-24). سطوح بالای کنترل اجتماعی، توانایی و ظرفیت‌های دولت را در زمینه‌های مختلف از جمله مقابله با تهاجمات خارجی، استخراج منابع، بسیج و سازمان‌دهی مردم برای انجام تحول اجتماعی ارتقا می‌بخشد. در همین زمینه، میگدال شاخص‌های تقویت و ارتقای اجتماعی را شامل سه سطح می‌داند: «اطاعت» که لازم است اما حداقلی است، «مشارکت» که حیاتی است اما کافی نیست و «مشروعیت» یا سازواری میان خواست دولت و جامعه؛ چیزی که دولت به آن سخت محتاج است و با آن می‌تواند هزینه‌های سیاسی-اجتماعی را کاهش دهد و به اهداف خود بیندیشد (میگدال، ۱۳۹۵: ۷۶).

۳-۳. تغییر اجتماعی

مطابق تعریف روشه، «تغییر اجتماعی عبارت است از تغییری قابل‌رؤیت در طول زمان به‌صورتی که موقتی یا کم‌دوام نباشد، بر روی ساخت یا وظایف سازمان اجتماعی یک جامعه اثر گذارد و جریان تاریخ آن را دگرگون نماید» (روش، ۱۳۶۸: ۲۶). تغییرات اجتماعی و فرهنگی محصول تحولات درونی و بیرونی جوامع است که به‌صورت معمول تحت تأثیر فناوری‌های صنعتی، اختراعات، اکتشافات، تحولات جهانی، اندیشه‌های فلسفی و آرمان‌ها، انقلاب‌های سیاسی، تحولات اقتصادی و تغییر شیوهٔ تولید، تغییر نسلی، رسانه‌ها و تبلیغات رقیبان اعم از گروه‌های معاند دولت یا دولت‌های خارجی رخ می‌دهد. بدین معنا که ارزش‌های مورد پذیرش جامعه جای خود را با ارزش‌های جدیدی عوض می‌کند که تا پیش از آن، چندان قابل‌پذیرش نبوده‌اند. تغییر اجتماعی یا فرهنگی به این معنا است که فرهنگ به‌مثابهٔ نظامی ساختاری حامل معانی است که این معانی قوانین اجتماعی را تولید می‌کنند و به‌صورت الگویی قابل‌تقلید ارائه

1. Social Contracts

2. Social Order

3. Illegal

4. Positive

5. Negative

می‌دهند (باکاک^۱، ۱۳۹۰: ۳۴۸). تغییر اجتماعی را می‌توان در دو نوع کلی «از بالا» که به خواست دولت صورت می‌گیرد و «از پایین» که به موجب تغییرات درونی بر مبنای خواست اجتماعی و طبقات یا نسل‌های جدید به دنبال تغییرات اقتصادی، فناورانه، مذهبی و... صورت می‌پذیرد. اگر ایدئولوژی‌ها بتوانند تغییر اجتماعی مورد انتظار خود را در هماهنگی و انطباق با آرمان‌های اجتماعی قرار دهند، انگیزه توافقی دولت و جامعه حاصل می‌شود. در غیر این صورت شکاف، تضاد و منازعه را در پی خواهد داشت. هانتینگتون، در باب اصلاحات و تغییرات اجتماعی معتقد است رابطه میان اصلاح اجتماعی و ثبات سیاسی به رابطه میان رشد اقتصادی و استواری سیاسی شبیه است. در برخی شرایط، اصلاحات اجتماعی می‌توانند تنش‌ها را کاهش دهند و به جای دگرگونی خشونت‌آمیز، تغییر مسالمت‌آمیز را در پی داشته باشند، اما به هر ترتیب، امکان دارد اصلاح اجتماعی به تشدید تنش‌ها و بروز خشونت‌ها دامن بزند و حتی زمینه‌ساز انقلاب شود (هانتینگتون، ۱۳۸۶: ۱۴). ایدئولوژی‌ای که در جامعه به هم‌نوایی و همدلی جامعه نائل آید، چالش جدی نخواهد داشت. اما زمانی که گفتمان یا ایدئولوژی دولتی در تضاد با معانی پذیرفته‌شده جامعه به تغییر اجتماعی بپردازد، با مقاومت اجتماعی مواجه خواهد شد. در این میان تغییر نسلی جایگاه مهمی دارد. تجربه زیسته متفاوت (در زمان جنگ با صلح، در زمان رفاه با فقر) نسل‌ها، رفتارها و ارزش‌ها را متفاوت می‌سازد (روشه، ۱۳۶۸: ۱۴۰). نسل دوران رفاه به دنبال «استقلال» و «ابراز وجود» است و مانند نسل دوران فقر در پی بقا نیست (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۳۹-۱۴۶). بر این مبنا کار ایدئولوژی در هویت‌سازی دشوار می‌شود.

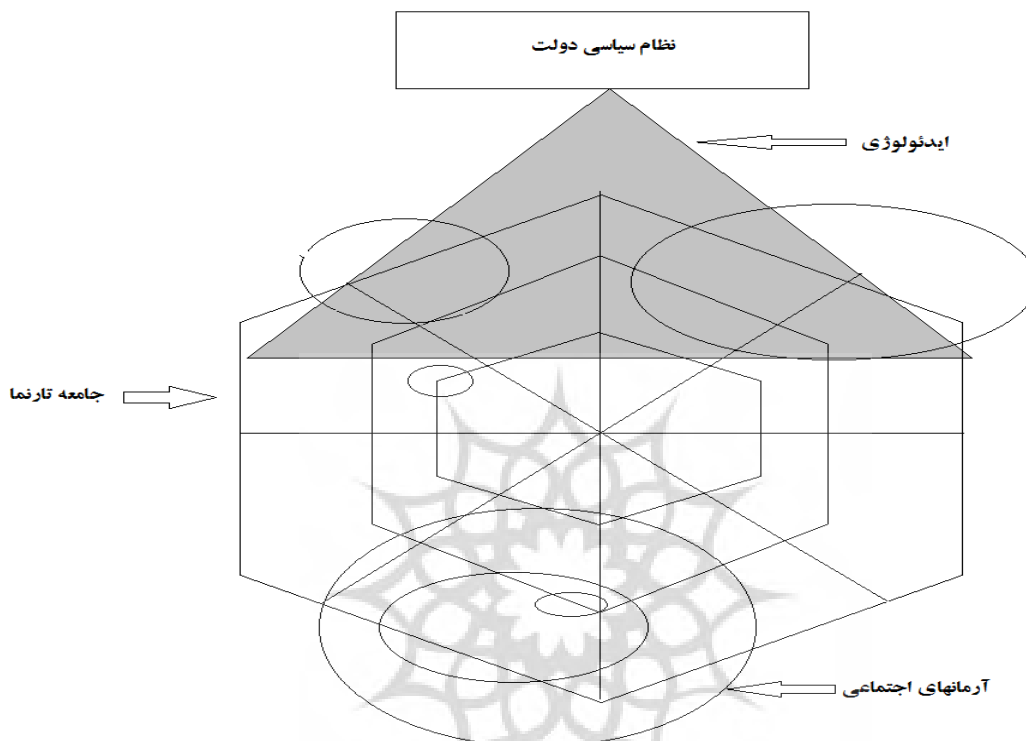
ایدئولوژی معمولاً در انجماد به سر می‌برد و به همین دلیل نیز در جوامع پیچیده سازمان‌های اجتماعی متکثرتند و بنابراین آرمان‌ها و خواست‌های اجتماعی نیز گوناگون و البته عامل تغییر نسلی و اجتماعی هستند. حاصل این وضعیت چنان‌که در تصویر زیر نیز قابل مشاهده است، بیرون‌افتادن بخشی از آرمان‌ها از حیطه ایدئولوژی است. به هر میزان که ایدئولوژی‌ها بتوانند درک بهتری از جامعه به‌دست دهند و به وضعیت پویایی برسند، ایدئولوژی توان پوششی بیشتری نسبت به خواست‌های اجتماعی خواهد داشت. این بدان معنا نیست که ایدئولوژی‌ها از اصول خود بگذرند، اما می‌توانند با اقتناع اجتماعی نظام معنایی خود را شکل دهند و قدرت و پایش اجتماعی حداکثری داشته باشند. هرچند باز هم در جامعه‌ای شبکه‌ای^۲ که خواست‌ها گاه متضاد و معارض است، یک پوشش کامل از سوی ایدئولوژی صورت نمی‌پذیرد.

در نوشتار حاضر، «جهاد تبیین» نوعی از «کنترل اجتماعی» است که به معنای فهم از ایدئولوژی، اصول و عناصر ایدئولوژی در راستای حرکت انقلاب اسلامی است؛ چرا که در غیر این صورت، تضاد میان دولت و ملت و تباین میان ایدئولوژی و آرمان‌های اجتماعی امری محتمل خواهد بود. مفهوم «مطالبه‌گری» اما به آرمان‌های اجتماعی ارتباط می‌یابد؛ به‌صورتی که سیالیت، پویندگی و روزآمدی انقلاب اسلامی را عینیت می‌بخشد؛ چرا که مطالبات اجتماعی در ایدئولوژی انقلاب بازنمایی می‌شود. این بدان معنا است که

^۱. Robert Backa

^۲. weblike society؛ جول میگدال جوامع در مسیر توسعه را دارای ماهیتی شبکه‌ای و چندساخت می‌داند. این شبکه‌ها مرکب از سازمان‌های اجتماعی هستند که هرکدام به شکل مستقل، از قدرت و آزادی عمل زیادی برای کنترل اجتماعی برخوردارند. ظرفیت یا توانایی دولت‌ها به‌ویژه توانایی آن‌ها برای اجرای سیاست‌های مورد نظر به‌ویژه کنترل، تغییر و بسیج اجتماعی به ساختار جامعه مربوط است. ناکارآمدی رهبران دولتی که با موانع نفوذناپذیری برای اعمال سلطه دولت مواجه می‌شوند، ناشی از ماهیت جامعه‌ای قدرتمند است که رودرروی آن‌ها قرار دارد. به عبارت دیگر ناشی از مقاومتی است که لیگارش‌ها و نخبگان محلی سنتی مانند رؤسای سازمان‌ها، زمین‌داران، کارفرمایان، رؤسای قبایل، دهقانان ثروتمند، زعیم، آقا یا مردان قدرتمند از طریق سازمان‌های اجتماعی‌شان اعمال می‌کنند. به‌طورکلی در جامعه شبکه‌ای سرجمع اقتدار ممکن است بالا باشد ولی اعمال آن چندپاره، متفرق و پراکنده است (Migdal, 1988: 233-237).

انقلاب اسلامی تلاش می‌کند تا از ایستایی و انجماد فاصله بگیرد و چون عناصر ایدئولوژی خود را در پیوند با فطرت انسانی می‌بیند، مخاطره تغییر اجتماعی و تغییر نسلی را به چشم فرصت می‌نگرد.



نمودار ۱. الگوی نظری تسلط ناتمام ایدئولوژی بر آرمان‌های اجتماعی در جامعه شبکه‌ای
منبع: یافته‌های تحقیق

۴. روش پژوهش

روش جمع‌آوری اطلاعات، اسنادی است. روش تحلیل داده‌ها نیز تحلیل کیفی اسنادی بیانات رهبر انقلاب اسلامی است. در همین راستا از آرای اندیشمندانی چون مانهایم در تحلیل نسبت ایدئولوژی (تبیین) و آرمان (مطالبه‌گری)، اینگلهارت و روشه در تغییر نسلی و اجتماعی و نظریات میگردال و دیگران در بحث «واپایش اجتماعی» بهره گرفته شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

مطابق آنچه در بخش نظری مقاله گفته شد، جهاد تبیین و مطالبه‌گری مفاهیمی عمیق هستند که با مفهوم ایدئولوژی و آرمان در تناظرند. در اینجا مفهوم جهاد تبیین در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای با مفهوم ایدئولوژی و واپایش اجتماعی ادراک می‌شود و مفهوم مطالبه‌گری نیز با تغییر اجتماعی و آرمان مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۵-۱. جهاد تبیین به مثابه ادراک ایدئولوژی

۵-۱-۱. چستی و چرایی جهاد تبیین

جهاد تبیین حقایق، مفهومی چندبعدی در منظر رهبر انقلاب است. این مفهوم برگرفته از آموزه‌های قرآنی و حدیثی است: «چرا می‌گوییم جهاد، جهاد تبیین؟ این گرفته شده است از کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام؛ امیرالمؤمنین در آن وصیت معروف خودشان به حسنین (علیهما‌السلام) که خطاب به آن‌ها است -منتها می‌فرماید «وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي»؛ یعنی بنده و شما هم مخاطب این وصیت هستیم- از جمله چیزهایی که می‌فرماید: «وَاللَّهِ اللَّهُ فِي الْجِهَادِ بِأَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ وَ أَلْسِنَتِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ الف). از این منظر، تبیین و روشن کردن حقیقت با زبان و کلام خود جهاد است؛ چرا که در امر هدایت‌گری کارکرد دارد. در واقع روشن شدن حقیقت که به معنای جهل‌زدایی و علم‌افزایی^۱ است، مقدمات هدایت انسان به طریق حق را میسر خواهد ساخت. امری که هدف عالی بعثت انبیای الهی و نیز غایت اصلی انقلاب اسلامی وصف می‌شود: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (سوره ص، آیه ۲۹).^۲ از منظر امام علی علیه‌السلام نیز آنچه از مهم‌ترین وظایف حکمران جامعه اسلامی است، همانا رشد و تعالی و هدایت مردم است که در خطبه‌هایی از نهج‌البلاغه مانند خطبه ۱، ۲، ۲۰، ۲۱، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۴۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۸۳، ۸۶، ۹۹، ۱۰۳، ۱۰۹، ۱۱۱، ۱۳۳، ۱۵۷ قابل مشاهده است. امام خمینی در شرح حدیث «جنود عقل و جهل» مسئله اصلی از طرح چنین حدیثی از سوی امام صادق علیه‌السلام را مقدمه گشایش باب هدایت بر انسان معرفی می‌کند که نشان از اهمیت و غایت بودن امر هدایت دارد (امام خمینی، ۱۳۹۱: ۱۸). در اینجا نیز مراد از جهاد تبیین از سوی رهبر انقلاب، اصل هدایت‌گری است. رهبر انقلاب با به‌عاریت‌گرفتن مفهوم جهاد تبیین، جوانان و دانشجویان را مأمور بازخوانی اصول و تاریخ انقلاب اسلامی می‌کند؛ چرا که اسلام مبتنی بر تبیین حقیقت است: «تبیین اساس کار ما است. ما با ذهن‌ها مواجهیم، با دل‌ها مواجهیم. باید دل‌ها قانع بشود. اگر دل‌ها قانع نشد، بدن‌ها به راه نمی‌افتند، جسم‌ها به کار نمی‌افتند. این فرق بین تفکر اسلامی و تفکرات غیراسلامی است. فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ؛ به پیغمبر خدا می‌گوید وظیفه تو رساندن است، حرف را باید برسانی. باید تبیین کنی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵). بر این مبنا اصل تبیین حقیقت مبتنی بر هدایت‌گری است.

درواقع چنان‌که هدایت‌گرایی و روشنگری‌های امام اول شیعیان، در راستای مقابله با دشمنانی چون معاویه صورت می‌گرفت، در اندیشه رهبر انقلاب نیز تبیین حقیقت از این ناحیه ضرورت دارد که اگر هدایت‌گری به این وسیله رخ ندهد، پیامدی جز سلطه استکبار جهانی نخواهد داشت: «اگر جهاد تبیین به‌درستی صورت نگیرد، دنیامداران حتی دین را هم وسیله هوسرانی و شهوت‌رانی خودشان قرار خواهند داد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ الف). از این جهت، زمانی که تبیین حقیقت از سوی یاران حق جدی گرفته نشود، طرف مقابل به وارونه‌نمایی از حقیقت دست می‌زند و همه چیز را تحریف می‌کند. در نتیجه دین را نیز در خدمت اهداف خود قرار می‌دهد. این موارد را رهبر انقلاب با تطبیق تاریخ اسلام و ماجرای تسلط بنی‌امیه بر جامعه مسلمان توضیح می‌دهد.^۳ سلطه بنی‌امیه مساوی با تحریف

^۱ پیامبر اکرم می‌فرماید: «همانا به‌وسیله علم است که خداوند اقوامی را بلند می‌کند و پیشوای دیگران قرار می‌دهد. دیگران آثار آن‌ها را اقتباس می‌کنند و به عمل آن‌ها هدایت می‌یابند و از فکر آن‌ها استفاده می‌برند. علم، حیات دل‌ها و نور چشم‌ها و نیروی بدن‌ها است. علم آدمی را به جایگاه نیکان و درجات عالی دنیا و آخرت می‌رساند» (طوسی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۴۸۷).

^۲ (این قرآن بزرگ) کتابی مبارک و عظیم‌الشان است که به تو نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام عقل متذکر (حقایق آن) شوند.
^۳ در دوران خلیفه سوم آل‌امیه از بیشترین حقوق و امتیازات برخوردار شدند؛ به‌صورتی که «مروان بن حکم» داماد و به‌نوعی همه‌کاره خلیفه محسوب می‌شد. برادرش «ولید بن عقبه» که قرآن او را فاسق معرفی می‌کند و معروف به می‌گساری بود، حاکم کوفه شد. پسر دایی‌اش «عبدالله بن عامر» که بسیار جوان بود و به هیچ روی کفایت نداشت والی بصره شد؛ تا جایی که عمار یاسر خطاب به عثمان گفت: تو سفیهان را بر ما حاکم کرده‌ای (مسعودی، ۱۳۸۲، ج ۱: ۶۹۰-۷۰۰).

معارف اسلامی و در خدمت قرارگرفتن دین برای مطامع و لذا یذ دنیوی بود. بر همین مبنا امام علی علیه‌السلام نیز بیشترین سعی خود را معطوف به مبارزه نرم و سخت با این طایفه قرار داد. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، بنی‌امیه مروج جاهلیت اولی و غرب نیز مروج جاهلیت مدرن است که از جمله ویژگی‌های مشترک این دو جاهلیت تاریخی «خودخواهی»، «بی‌بندوباری» و «آزادی لجام‌گسیخته» است (خامنه‌ای، ۱۳۹۴). جهاد تبیین در تقابل با جنگی است که جاهلیت مدرن با ایدئولوژی انقلاب اسلامی به راه می‌اندازد و می‌کوشد از طریق وارونگی حقایق، به تهاجم خاموش دست بزند. در اندیشه رهبری، تحریم‌های مختلفی که غرب به ایران تحمیل کرده به‌وسیله تحریف حقیقت صورت می‌گیرد که برای تقابل با آن باید به تبیین حقیقت پرداخت: «امروز یک سیاست قطعی رسانه‌های معاند جمهوری اسلامی و معاند اسلام این است که واقعیت‌ها را تحریف کنند و مشغول‌اند؛ دائم دارند کار تحویل می‌دهند در تحریف واقعیت‌ها و دروغ‌پردازی» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ ب). وارونه‌نمایی‌های دشمن در دیدگاه رهبری با ظرافت بسیار و در شباهت با حقیقت صورت می‌گیرد. برای همین نیز نام آن «شبهه» است؛ چرا که بسیار شبیه به حقیقت جلوه می‌کند. در واقع کار اصلی و ضرورت اصلی که جهاد تبیین صورت می‌دهد، خنثی‌سازی شبهه‌هایی است که همچون ویروس قدرتمند و سریع پراکنده می‌شود و آلوده می‌سازد: «بعضی‌ها در مقابل تیر و شمشیر ایستادند، در مقابل شبهه نتوانستند بایستند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ الف).

همچنان که می‌گدال در مورد کنترل یا واپایش اجتماعی می‌گوید، دولت‌ها برای رسیدن به اهداف مورد نظر به چیزی بیشتر از اطاعت و مشارکت محتاج هستند. مشروعیت و به بیان دقیق‌تر «سازواری» یا «همدلی» اجتماعی با اصول و اهداف ایدئولوژی سبب افزایش سطح کنترل اجتماعی و افزایش قدرت خواهد شد. رهبر انقلاب اسلامی نیز با تفاوت قائل شدن میان انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌ها و نهضت‌ها، به حضور و همراهی مردم تأکید می‌کند. یعنی صرف اطاعت و مشارکت را ناکافی و همدلی مردم را رکن اصلی رسیدن به اهداف والای انقلاب اسلامی از جمله تمدن اسلامی^۱ می‌داند. البته این نکته نباید مغفول بماند که رهبران انقلاب اسلامی با تعریف رسالت الهی برای خویش و هم‌هدفی میان بعثت انبیا و نهضت اسلامی در ایران، بر اصل هدایت مردم و تعالی آنان تأکید دارند. این بدان معنا است که انقلاب اسلامی قدرت را هدف قرار نمی‌دهد که براساس آن کنترل اجتماعی صورت دهد، بلکه کنترل اجتماعی در تناظر با هدف الهی معنا می‌یابد: «استمرار یک حرکت، کلید پیروزی آن حرکت است. اگر چنانچه حرکتی آغاز بشود و نتواند استمرار پیدا کند، نتواند گام‌های بعدی را مرتب بعد از گام اول بردارد، این حرکت عقیم خواهد ماند، باطل خواهد شد، بی‌اثر خواهد شد. ما نهضت‌ها و انقلاب‌هایی را در دنیا سراغ داریم که این‌ها خوب شروع شدند، گام‌های مهمی هم برداشتند، منتها به پیروزی دست پیدا نکردند؛ چرا؟ چون اصحاب نهضت... از راه‌رفتن و از ادامه مسیر منصرف شدند.» ایشان در ادامه به جایگاه تبیینی و هدایتگر امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اشاره می‌کند و این اقدام را که سبب همراهی مردم می‌شد، عامل اصلی تداوم انقلاب عنوان می‌کند: «در منطق امام بزرگوار هم یکی از امهات سیاست‌های انقلابی امام بود. بعد از پیروزی انقلاب و بعد از شکل‌گیری نظام اسلامی، همه همت امام عظیم‌الشأن این بود که این حرکت استمرار پیدا کند. بیانات روشنگر امام، پی‌درپی به همه روحیه می‌داد، راه را نشان می‌داد، هدف‌ها را به یاد مردم می‌آورد که فراموش نکنند هدف این مبارزه و هدف این حرکت چیست و همه را به حرکت درمی‌آورد... این موجب شد که طرفندهای دشمنان خنثی بشود و انقلاب زنده نگه داشته بشود» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ ج).

^۱ عبدالحسین خسروپناه در توصیف اندیشه تمدنی معتقد است هردو عنصر پویایی و پایایی اسلام را در خود جمع کرده و دارای منطقی هماهنگ است؛ چرا که نگرشی نظام‌مند به معرفت دینی دارد، در حوزه فهم دین اصول‌گرا است، به توسعه‌گرایی در حوزه تحقق دینی تأکید دارد، بر تکامل در روش اجتهاد صحنه می‌گذارد و در روش علوم قائل به تجدیدنظر است. به ضرورت تدوین الگوی اجتماعی و پی‌ریزی تمدن نوین اسلامی نیز وقوف دارد (خسروپناه، ۱۳۹۱: ۱۰-۱۱).

۵-۱-۲. محتوای جهاد تبیین (ایدئولوژی انقلاب اسلامی)

جهاد تبیین بر مبنای رویکرد رهبر انقلاب دو بعد سلبی و ایجابی دارد که در بعد سلبی باید اقدامات دشمن خنثی شود و در بعد ایجابی نیز منطق و اهداف ایدئولوژی انقلاب اسلامی تبیین و با روش‌های مختلفی ارائه شود. گفته شد که ایدئولوژی را می‌توان خواست‌های نظام سیاسی دانست که بر اساس آن می‌خواهد وجوهی از رویکردها را مطابق هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی خود اصلاح یا تغییر دهد و البته در کنترل درآورد. ایدئولوژی انقلاب بهمن ۵۷ با آرمان‌های استقلال‌خواهی، آزادی‌خواهی، اسلام‌خواهی، دموکراسی‌خواهی، عزت‌خواهی و قانون‌گرایی متولد شد. آنچه ایدئولوژی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی دنبال می‌کرد، حفظ هویت اسلامی و ساخت نظام سیاسی فراگیر با محوریت معارف، مبانی و اهداف متعالی دینی بود. این ایدئولوژی را می‌توان مبتنی بر عقلانیت وحی‌پذیری توصیف کرد که برخلاف مدرنیته و عقلانیت خودبنیاد، قائل به اومانیسیم و سکولاریسم در حیات انسانی نیست و تمامی ساحت‌های زندگی را در نسبت عقل با وحی الهی تعریف می‌کند. از این منظر بر علم حصولی و حضوری اشعار داشته و وحی و عقل را در تباین یکدیگر تعریف نمی‌کند. اگرچه برای عقل نیز محدودیت قائل است (نامه امام خمینی به گورباچف در ۱۱/۱۰/۱۳۶۷، در صحیفه امام، ج ۲۱، ۱۳۸۶: ۲۲۴). اما این محدودیت نیز با کمک وحی قابل جبران خواهد بود. گرچه این تفکر امام خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی بیشینه شد، درون انقلاب ایران، محوریت اسلام و توجه به معنویت قابل جست‌وجو است (الگار، ۱۳۸۸: ۳۶۶-۳۶۷). توسعه ایدئولوژی انقلابی در اندیشه امام با عناصری نظیر «تحقق امت واحد اسلامی»، «پیروزی نهایی حق بر باطل»، «حاکمیت اسلام در جهان»، «پیروزی نهایی مستضعفان بر مستکبران»، «برتری نهایی مسلمانان بر غیرمسلمانان» به‌عنوان سنت الهی قابل مشاهده است. افزون بر این، فلسفه انتظار با تفسیر نوینی که امام خمینی و بعدها آیت‌الله خامنه‌ای از آن ارائه دادند، انقلاب اسلامی را به سمت و سوی مقاومت در برابر ظلم رهنمون می‌کند (عنایت، ۱۳۸۹: ۴۱). اصول و اهدافی که ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر آن استوار است شامل عدالت‌خواهی، استقلال‌طلبی و استکبارستیزی، عزت‌طلبی، مردم‌سالاری، اخلاق‌گرایی، معنویت‌گرایی، استبدادستیزی و آزادی‌خواهی با محوریت اسلام و از نوع اسلامی نه وابسته به تفکرات لیبرالیستی یا سوسیالیستی است. در این منظر، عدالت همراه با استکبارستیزی درونی (تزکیه نفس) و بیرونی (مقاومت و غلبه بر تفکر غرب) است. آزادی مترادف با برهنگی و بی‌قیدی نیست، بلکه رهاشدن از چنگال شیطان و نفس و حرکت به سوی هدایت معنا می‌دهد. معنویت و اخلاق با تحجر و بی‌منطقی و زاویه‌نشینی همراه نیست. مردم‌سالاری با اسلامیت امتزاج دارد؛ بنابراین بر اساس عقل خودبنیاد و اصالت لذت شکل نمی‌گیرد و به‌وجودآورنده تعهدی اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۸۱). روشن است که انقلاب اسلامی با اصول مذکور چگونه ماهیتی دارد. ماهیتی که به دلیل دشمنی خارجی و بعضی ضعف‌های درونی، نیازمند حفظ و تبیین است تا به دنبال تغییر نسلی، از خطوط اصلی منحرف نشود. در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای افزون بر اصول و آرمان‌های انقلاب اسلامی، چالش‌ها و راهبردهای نظام اسلامی و نیز چرایی تخاصم با آمریکا باید تبیین شود: «در مسئله اقتصاد مقاومتی تبیین کنید، در مسئله پیشرفت علمی - این‌ها مسائل مهم کشور است - در مسئله ارتباط با آمریکا؛ برای خیلی‌ها روشن نیست... مسئله فرهنگ، یکی از مسائل مهم است، این را تبیین کنید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

۱. «خب، انتظار به معنای نشستن و دست روی دست گذاشتن و چشم به در دوختن هم نیست؛ انتظار به معنای آماده‌شدن است... ما که انتظار فرج داریم... باید تلاش کنیم در راه ایجاد جامعه مهدوی؛ هم خودسازی کنیم، هم به قدر توانمان، به قدر امکانمان، دگرسازی کنیم و بتوانیم محیط پیرامونی خود را به هر اندازه‌ای که در وسع و قدرت ما است، به جامعه مهدوی نزدیک کنیم که جامعه مهدوی، جامعه قسط است، جامعه معنویت است، جامعه معرفت است، جامعه برادری و اخوت است، جامعه علم است، جامعه عزت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۹الف).

در اینجا نکته مهم این است که رهبری بحث تبیین را از مرزها فراتر می‌برد و نگاه جهانی دارد. محتمل است که یکی از دلایل این امر بحث اثرگذاری فضای رسانه‌ای جهانی بر اذهان جوانان و جامعه ایرانی باشد. به این معنا که رهبری می‌خواهد با تبیین آموزه‌های سبک زندگی و نیز حکمرانی اسلامی^۱ که یادآور تعالی انسان، انسانیت و نفی شیء‌انگاری است، فضای درونی را در مسیر ساخت تمدن نوین ایرانی - اسلامی قرار دهد. افزون بر این، مشخصه دیگری که رهبری بر آن تأکید دارند بحث مرزبندی و شناخت خودی و غیرخودی است. ایشان توجه می‌دهند که ملاک ایدئولوژی انقلاب از خودی و دیگری در نسبت خونی و حزبی و جریانی نیست، بلکه در نسبتی است که فرد «در اعتقاد به راه اسلام، در اعتقاد به نظر قرآن، در اعتقاد به ایمان اسلامی و حرکت عظیم جمهوری اسلامی که این همه برای آن هزینه شده» برقرار می‌کند (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ الف).

آنچه محتوای تبیین حقیقت در بعد سلبی و نفی باید باشد، مبتنی بر خنثی‌سازی اقدام دشمن ایدئولوژی انقلاب اسلامی است که در دو امر اصلی می‌کوشد: «تحریف تاریخ و تطهیر پهلوی و نیز سیاه‌نمایی و عقب‌مانده و ناکارآمد نشان دادن نظام اسلامی». رهبر انقلاب در این باره اظهار می‌دارد: «چهره خبیث و زشت و سرتاپا جنایت ساواک را هم حتی می‌خواهند تزئین کنند؛ یعنی مأمور آن روز ساواک... خاطره‌نویسی می‌کند و جوری حرف می‌زند که کأنه ساواک... یک چهره روشن منوری دارد. متقابلاً درمورد انقلاب، هرچه می‌توانند چهره انقلاب را، چهره امام را، فعالیت‌های این چهل سال را مخدوش می‌کنند؛ تا آنجایی که از عهده‌شان برمی‌آید سعی می‌کنند این را مخدوش کنند. از پیشرفت‌ها، از نقاط مثبت، نقاط قوت، مطلقاً نشانه‌ای در این مجموعه امپراتوری رسانه‌ای غرب شما مشاهده نمی‌کنید؛ کتمان حقایق. متقابلاً... یک نقطه ضعف کوچک را صد برابر بزرگ می‌کنند و نشان می‌دهند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ ب). ایشان در جای دیگری نیز بر همین مسئله نفی اقدام دشمن در تبیین حقیقت تصریح می‌دارد که ایجاد ابهام در هویت و اهداف ایدئولوژی انقلاب اسلامی اقدامی است که از سوی دشمن در اذهان جوانان و رهاکردن افکار شکل می‌گیرد که باید نسبت به آن روشنگری انجام شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ د).

درنهایت، آنچه به‌عنوان محتوای تبیین حقیقت در نظر رهبری است، همانا ترویج واقع‌گرایی و پرهیز از غلو یا پوپولیسم است. ایشان در خطابه‌ای به مسئولان و نمایندگان مجلس اظهار کرد: «یک وقت‌هایی هست یک گرهی در ذهن مردم هست، شماها باید این گره را باز کنید؛ این جهاد تبیین که ما عرض کردیم، شامل این موارد می‌شود. مشکلاتی وجود دارد؛ فرض کنید فلان قشر یک مطالبه‌ای دارد، خب شما نماینده مجلسید، از مصرف کشور و درآمد کشور مطلعید، می‌دانید که این عملی نیست؛ وقتی می‌دانید عملی نیست، منتظر نماینده که مثلاً فلان نماینده اجرایی یا قضایی بیاید بگوید نمی‌توانیم؛ نه، شما بگویید نمی‌شود؛ یعنی هم گوش برای شنیدن حرف مردم، هم زبان برای روشن کردن ذهن مردم داشته باشید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱ ب). بر این مبنا محتوای جهاد تبیین باید بر محور واقعیت و واقع‌گرایی باشد. یعنی افزون بر تبیین آرمان‌ها و اهداف ایدئولوژی انقلاب اسلامی، دستاوردهای انقلاب اسلامی و شکست اقدامات دشمن، مسئله امکانات و تطبیق خواسته‌ها و مطالبات اجتماعی نیز مورد توجه باشد.

۱. «سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی‌بودن، دینی‌بودن، اعتقادی‌بودن، اشرافی‌نبودن، مسرف‌نبودن، ظالم‌نبودن؛ نه ظالم [و نه مظلوم]: لا أَظْلَمَنَّ وَ أَنْتَ مُطِيقٌ لِلدَّفْعِ عَنِّي وَ لَا أَظْلِمَنَّ وَ أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى التَّبْضِ مَنِّي در این دعاها صهیفه سجادیه؛ این‌ها هر کلمه کلمه‌اش مبانی مهم معرفتی است؛ این‌ها چیزهایی است که سلاح‌های جدید ما است، باید از این‌ها استفاده کرد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ الف).

۵-۱-۳. کیستی جهادگر تبیین

رهبر انقلاب اسلامی هر تلاشی را جهاد و هر که در امری تلاش کند را مجاهد نمی‌داند، بلکه معتقد است جهاد زمانی اطلاق می‌شود که در برابر اقدام دشمن باشد. مانند تحریم‌هایی که از سوی دشمن صورت می‌گیرد و در برابر آن برخی به افزایش تولید اقتصادی مبادرت می‌کنند. در اینجا نیز رهبری آن سخن و روشنگری را جهاد می‌داند که در جهت «خنثی کردن وسوسه‌های دشمن» انجام می‌شود (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ه). بر این مبنا، جهادگر عرصه تبیین، سخنور و روشنگری است که در مواجهه با جنگ‌های رسانه‌ای دشمن ایدئولوژی انقلاب قرار گرفته است.

نکته مهم در مورد جهاد تبیین علاوه بر چپستی و چگونگی تبیین، کیستی تبیین‌گر است. همچنان که پیش‌تر نیز گفته شد، تبیین حقیقت مبتنی بر امر هدایت‌گری به‌عنوان وظیفه مسلم حاکم جامعه اسلامی قرار دارد و همه پیامبران و اوصیا در این راستا می‌کوشیدند. در حکومت کوتاه امام علی علیه‌السلام افزون بر خود ایشان، یارانی چون عمار بن یاسر و پیش از حکومت ایشان نیز اصحابی چون ابوذر غفاری به روشنگری می‌پرداختند. عمار در جنگ صفین نقشی اساسی در روشن شدن حقیقت داشت که کشته‌شدن وی نیز از همین جهت برای امام علیه‌السلام مصیبتی گران بود؛ چرا که شخصیت شجاع و زبان گویای عمار جایگزینی نداشت. به همین دلیل هم امام پس از شهادت عمار خود به تبیین و روشنگری می‌پرداخت (ثقفی، ۱۴۰۱: ۲۵۹-۲۷۰). رهبر انقلاب نیز در همین راستا به نقش عمار می‌پردازد: «در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸). رهبر انقلاب توضیح می‌دهد که در آن دوران جناح معاویه تبلیغات و جنگ روانی می‌کرد و در جناح امام نیز عمار، پاسخگوی عملیات روانی دشمن بود و دائم در لشکر امام به سخنرانی و تبیین می‌پرداخت تا سپاه امام دچار تردید و آشفتگی نشود.

هرچند رهبری ائمه جمعه، مدحان و ذاکران اهل بیت، فرماندهان نظامی، نمایندگان مجلس و دانشجویان را نسبت به تبیین حقیقت مخاطب قرار می‌دهد، اما به نظر می‌رسد تأکید ویژه بر نسل جوان است؛ چرا که به مسئله تغییر نسل و ویژگی‌های آن واقف است: «شماها دانشجویید، جوانید، فکرهای خوبی دارید، حرف‌هایی که امروز زدید، بنده را کاملاً امیدوار کرد، نه از جهت محتوای حرف‌ها، بلکه از جهت اینکه -محتواها هم خوب بود، منظوم چیز دیگر است- احساس کردم ذهن‌ها دارد کاملاً کار می‌کند؛ این برای من مهم است؛ ذهن کار می‌کند، ادبیات خوبی به کار می‌برد، این خیلی باارزش است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵).

از این منظر که ایدئولوژی باید به زبان نسل جدید نزدیک شود و بتواند مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، حق را به لسان قوم درآورد تا جامعه آن را ادراک کند و مقدمات امر هدایت صورت پذیرد. افزون بر این، می‌توان دلایل دیگری مانند دغدغه‌مندی دانشجوی، توان مطالعه و دسترسی به منابع مطالعاتی، انرژی، شور و جسارت بالا به دلیل سن جوانی، آرمان‌گرایی، روحیه پرسشگری و مطالبه‌گری همراه با صداقت و سادگی، آینده‌ساز بودن و اثرگذاری بالای او را برای مخاطب قرار گرفتن نسبت به جهاد تبیین حقیقت برشمرد.^۱ در منظر رهبران انقلاب اسلامی «دانشگاه مبدأ همه تحولات است... از دانشگاه سعادت یک ملت و در مقابل شقاوت یک ملت سرچشمه می‌گیرد» (صحیفه امام، ج ۸، ۱۳۸۶: ۶۴). بر همین مبنا رویکرد، شناخت و فهم دانشگاه و دانشجو نسبت به ایدئولوژی انقلاب اسلامی اهمیت زیادی دارد. در واقع سازواری و مشارکت دانشجو نسبت به ایدئولوژی انقلاب اسلامی، توان اقتاعی نظام سیاسی را افزون می‌کند و به دنبال آن در مسیر واپایش اجتماعی نیز با چالش‌های کمتری مواجه می‌سازد.

۱. ر.ک: خامنه‌ای، ۱۳۸۷

۵-۱-۴. ابزار و بایسته‌های جهاد تبیین

ابزارها و بایسته‌های جهاد تبیین نیز در اندیشه رهبر انقلاب مورد توجه قرار داده شده است و ایشان با یادآوری اصول به شیوه‌های جدید و محتوای جدید نیز می‌پردازد:

«در جنگ‌های سخت با سلاح‌های قدیمی دیگر نمی‌شود جنگید. امروز با شمشیر و با نیزه و با این چیزها نمی‌شود به جنگ توپ و موشک و مانند این‌ها رفت. در جهاد تبیین هم همین‌جور است؛ با شیوه‌های قدیمی [نمی‌شود کار کرد]. البته بعضی از شیوه‌های قدیمی جایگزین ندارد، مثل منبر، مثل مداحی؛ این‌ها قدیمی است. اما این‌ها جایگزین ندارد، لکن از لحاظ ابزارهای گوناگون بایستی به‌روز حرکت کرد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ الف). از منظر آیت‌الله خامنه‌ای تبیین بخش نرم‌افزاری مهمی دارد که باید در آن تعمق کرد؛ چرا که نسل جدید و جهان فعلی نیازمند سخن نو است که باید به شیوه‌های نوین ارائه شود. اما ایشان معتقد است محتوای اسلامی و مفاهیم عالی اسلامی، در زمینه‌های مختلف معرفتی حرف‌های ناگفته‌ای دارد که برای مخاطب جذابیت خواهد داشت. در مباحث مختلف سبک زندگی اعم از محیط‌زیست، خانواده، حقوق حیوانات اسلام حرف‌های ناشنیده زیادی دارد که باید به با ابزار جدید و شیوه‌های نوین ارائه شود.

۵-۲. مطالبه‌گری به‌مثابه پویایی ایدئولوژی انقلاب اسلامی

۵-۲-۱. جایگاه مردم در ایدئولوژی انقلاب اسلامی

پیش از ورود به بحث مطالبه‌گری که مخاطب آن مردم و به‌ویژه جوانان هستند، بهتر است جایگاه مردم در انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی روشن شود. رهبران انقلاب اسلامی بر این عقیده هستند که می‌توان میان رأی شریعت و خواست مردم جمع کرد. اسلام همچنان که دستورهای الهی مرز حرام و حلال را مشخص کرده، بر اصل شوری نیز توجه نشان داده است: «ما می‌خواهیم اسلام را -لااقل حکومتش را- به یک نحوی که شباهت داشته باشد به اسلام اجرا بکنیم تا شما معنی دموکراسی را به آن طوری که هست بفهمید و بشر بدانند که دموکراسی که در اسلام هست با این دموکراسی معروف اصطلاحی که دولت‌ها و رؤسای جمهوری و سلاطین ادعا می‌کنند بسیار فرق دارد» (امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۴: ۴۱۸). بر همین اساس جمهوریت و اسلامیت در کنار یکدیگر آمده که در اندیشه رهبر انقلاب با مفهوم «مردم‌سالاری دینی» مطرح شده است: «جمهوری و اسلامی». همراهی این دو کلمه با هم، و موجودی که از این دو کلمه تشکیل شده باید هم پایدار بماند؛ هم جمهوری و هم اسلامی؛ مردم و اسلام؛ جمهوری یعنی مردم، اسلامی هم که یعنی اسلام؛ مردم‌سالاری دینی» (خامنه‌ای، ۱۴۰۰ و).

براین‌اساس احکام الهی شکل‌دهنده قوانین اصلی کشور است، ولی رأی و خواست مردم در سایر قوانین، امور جاری و تداوم قدرت جاری و ساری است. افزون بر این، در ایدئولوژی انقلاب اسلامی انسان شیء نیست، بلکه دارای کرامتی ذاتی بوده که از دو بعد روحی و مادی برخوردار است (صحیفه امام خمینی، ۱۳۸۶، ج ۷: ۵۳۲). در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی، انسان‌سازی در مدار و اساس این نظام سیاسی قرار دارد: «هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی (و الی‌الله المصیر) است تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به‌منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله)» (قانون اساسی، ۱۳۸۷: ۲۷). رشد انسان و سوق دادن وی به سوی سعادت که همانا تقرب به ذات ربوبی است، مطمح نظر انسان‌شناسی اسلامی است. آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این راستا می‌گوید: «امیرالمؤمنین... علت بعثت پیامبر و پیامبران بزرگ الهی را این‌گونه معرفی کرده است: انسان‌ها را به فطرت انسانی و سرشت انسانیت که همراه با شرف و کرامت است برگرداند؛ نعمت‌های فراموش‌شده الهی را به یاد آن‌ها بیاورد و خردهای

دفع شده را مبعوث کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳). بر این مبنای، هدف شکل‌گیری انقلاب اسلامی و نظام ولایی نیز در ادامه هدف بعثت انبیا، حفظ کرامت انسانی و کوشش در راستای تعالی انسانی است. انسانی که قرار نیست کور و کر و ساکت باشد که با لطایف‌الحیل، غرق شدن در لذات مادی و سرگرمی‌ها یا سرکوب مدیریت شود، بلکه باید شرایط هدایت برای او تحقق یابد.

به‌طور کلی از منظر امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای نسبت مردم با ایدئولوژی و نظام اسلامی در سه محور حق رأی و انتخابات کارگزاران نظام که به معنای مشروعیت و مقبولیت مردمی است؛ مردمی‌بودن مسئولان، امکان حضور و مشارکت مردم به‌عنوان تصمیم‌گیر در حکومت و خدمتگزاری حکومت اسلامی به مردم^۱ قابل‌مشاهده است؛ بنابراین انقلاب اسلامی در راستای هدف رشد اجتماعی، مردم را خنثی و بی‌اعتنا به امور نمی‌خواهد. از همین روی نیز رهبر انقلاب، هم به مشارکت در انتخابات سفارش می‌کند و هم با طرح «مطالبه‌گری» حق نظارت عمومی و پاسخگویی کارگزاران را برای مردم محفوظ می‌دارد: «این پرچم آرمان‌خواهی و مطالبه‌گری را زمین نگذارید؛ همه این بحث‌ها و صحبتی که در این مدت یک ساعت و نیم شما دوستان در اینجا [بیان] کردید، مطالبه‌گری بود دیگر؛ مخاطب مطالبه‌گری هم گاهی خود این حقیر بودم، گاهی دستگاه دفتر ما بود، گاهی مجموعه‌های دیگر بودند؛ این بسیار چیز بارزشی است؛ این مطالبه‌گری را از دست ندهید، این آرمان‌خواهی را از دست [ندهید]. این‌ها آرمان‌خواهی است؛ ممکن است بعضی از این چیزهایی که شما مطالبه می‌کنید، عملی نباشد که واقع قضیه هم همین است؛ یعنی وقتی انسان وارد عمل شده، مشکلات کار میدانی برای او بیشتر آشکار می‌شود. معلوم می‌شود که همه آن چیزهایی که می‌خواستیم، یا نمی‌توانسته عملی بشود یا نمی‌توانسته به این زودی عملی بشود؛ لکن خود این آرمان‌خواهی بارزش است؛ برای اینکه اگر آرمان‌خواهی وجود نداشته باشد راه را گم می‌کنیم. این آرمان‌خواهی موجب می‌شود که ما راه را گم نکنیم و وسط راه، کج و راست و به چپ و راست حرکت نکنیم. این آرمان‌خواهی را داشته باشید. این آرمان‌های مهم را: عدالت، استقلال، رفع فساد، درنهایت تمدن اسلامی. آرمان اصلی و واقعی و نهایی، ایجاد تمدن اسلامی است؛ این‌ها را از دست ندهید و این‌ها را مطالبه کنید و بخواهید روی آن فکر کنید. البته مطالبه‌گری بایستی با شکل‌های منطقی باشد (خامنه‌ای، ۱۳۹۹ب).

۵-۲-۲. جایگاه مطالبه‌گری و آرمان‌خواهی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی

از نکاتی که رهبری به آن تأکید دارند، نسبت آرمان‌خواهی و ایدئولوژی یا نسبت نظر و عمل است. همچنان که در تمییز آرمان و ایدئولوژی آمد، آرمان‌ها به دلیل عدم ورود به عرصه عمل، مبهم و غیرمسئولانه هستند؛ درحالی‌که ایدئولوژی معطوف به عمل و با وضوح همراه است. رهبر انقلاب برخلاف انجماد طبیعی ایدئولوژی‌ها، می‌کوشد تا ایدئولوژی انقلاب اسلامی را با جوشندگی و پیوندگی آرمان‌گرایانه و نقادانه پیوند بزند: «این نگاه نقادانه و دغدغه‌مند، از دانشجو و محیط دانشگاه نباید گرفته بشود. هم نقادانه، هم آرمان‌گرایانه؛ باید دنبال آرمان‌ها باشند. روی کاستی‌ها و کژی‌ها علامت سؤال بگذارند؛ دانشجو باید کاستی‌ها را ببیند، کجی‌ها را ببیند، عیوب را ببیند و سؤال کند... روحیه سؤال کردن، امر به معروف، نهی از منکر، مطالبه جدی آرمان‌ها و ارزش‌ها در دانشجو، روحیه قابل‌قبول است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶). در جای دیگری با تأکید بر اصل مطالبه‌گری نسل جوان، میان آرمان و ایدئولوژی پیوند می‌زند و می‌کوشد حس مطالبه‌گری و آرمان‌خواهی را که در پرتو رؤیا و خیال شکل گرفته، با عرصه عمل که ایدئولوژی در آن شکل می‌گیرد امتزاج بخشد. درواقع زمانی که دانشجو صرفاً پرسش نمی‌کند و در آرمان سیر نمی‌کند، به ایدئولوژی نزدیک می‌شود. ایشان معتقد

^۱. رک: جایگاه مردم در نظام اسلامی از دیدگاه امام خمینی، تبیان، آثار موضوعی، دفتر سی‌وپنجم، تهران: معاونت پژوهشی مؤسسه نشر و تنظیم آثار حضرت امام خمینی.

است جوان دانشجو نباید صرفاً شعار دهد: «پیگیری کردن، مطالعه کردن، درباره مسئله اندیشیدن، آن را پخته کردن، راهکار اجرایی را برای آن جست‌وجو کردن، برای طرحش با مراکز دست‌اندرکار و مجری تلاش کردن و فعالیت کردن و بالاخره خود وارد میدان کار شدن» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶).

در اندیشه رهبر انقلاب، آرمان‌گرایی و مطالبه‌گری ضامن تداوم و موجب تقویت ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌شود؛ چرا که آرمان‌هایی که بسیاری از نسل جوان آن را پیگیری می‌کنند، در تناظر با اصولی است که در ایدئولوژی انقلاب اسلامی از آن سخن رفته؛ اصولی مانند عدالت‌خواهی: «باید گفت مطالبه عدالت نه فقط به نظام ضربه نمی‌زند، بلکه نظام را تقویت می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۲).

نکته مهم در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، مسئله اصول لایتغیر انقلاب و حوزه تغییر است: «اساس انقلاب، مثل خود اسلام بر احکام ثابت و احکام متغیر استوار است. یک سلسله احکام، تغییرناپذیر است؛ یک سلسله احکام در شرایط گوناگون تغییر پیدا می‌کند. انقلاب هم همین‌طور است. اجتهاد، خصوصیتی است که این امکان را به یک مسئول می‌دهد تا بتواند به اقتضای شرایط، روش‌ها و راه‌ها و تاکتیک‌های درست را انتخاب کند. البته انتخاب روش و اجتهاد برای پیدا کردن روش نو و مناسب، کار مجتهد است. این غیر از بدعت‌گذاری یک انسان ناوارد و تجدیدنظرطلب است. این کار کسی است که قدرت اجتهاد در این کار را داشته باشد. نقش اجتهاد و مجتهد در نظام اسلامی به همین خاطر است. از آن طرف، به بهانه تمسک به اصول، تحجر را نفی می‌کنیم و می‌گوییم نمی‌شود به بهانه تمسک به اصول، تحجر و ایستایی را بر انقلاب تحمیل کرد-اصولگرایی وجود دارد، اما این، تحجر و جزم‌اندیشی و نشناختن شرایط مختلف نیست- از این طرف، به بهانه اجتهاد و تحول نباید به بدعت‌گذاری‌های ناشیانه و تجدیدنظرطلبانه اجازه فعالیت و تحرک مضر و مخرب داد. خط روشن امام بزرگوار این است؛ بنابراین اصول، اصول ثابتی است.

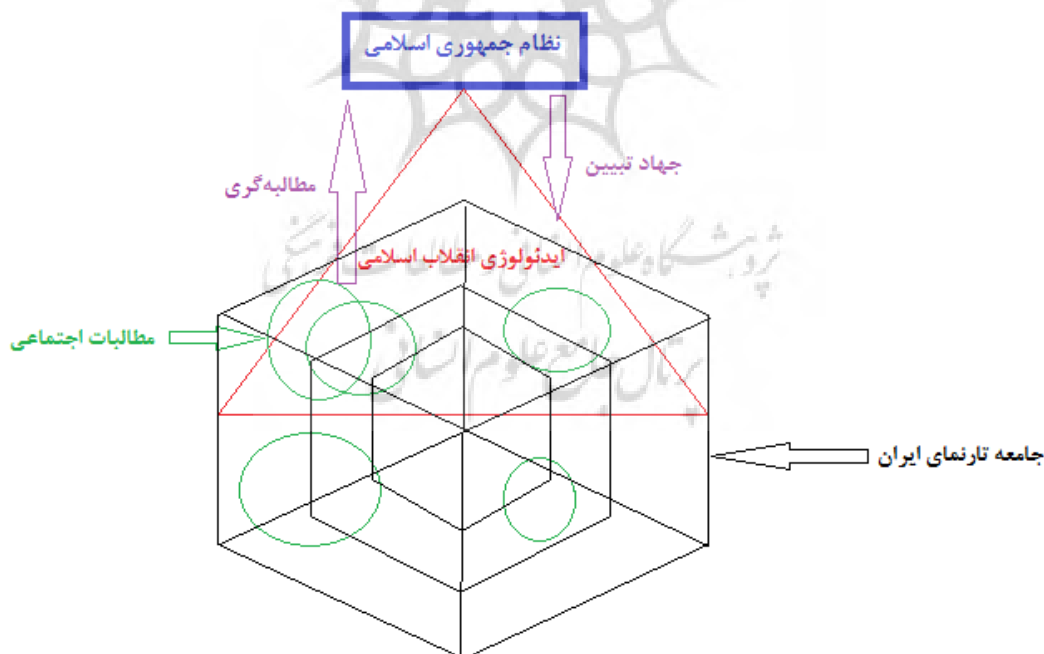
عدالت، مردم‌سالاری، استقلال، دفاع از حقوق ملت در همه زمینه‌ها، دفاع از حقوق مسلمانان عالم، دفاع از هر مظلومی در هر نقطه عالم، این‌ها جزو اصول ماست. مبارزه با فساد، ظلم و زورگویی جزو اصول ماست -این‌ها تغییرناپذیر است- اما ممکن است روش‌های گوناگونی در اوضاع و احوال مختلف وجود داشته باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱). نکته اساسی که باید یادآور شد، ظرفیت‌های درونی اجتهاد، ولایت فقیه و رویکرد فقه جواهری است. فقه جواهری که امام خمینی این نام را برایش مطرح کرد، فقهی پویا است که به مقتضیات زمانه اشراف داشته و دچار تحجر نیست. درواقع فقه جواهری اقتضات زمانه و مصلحت مسلمین را امری اساسی در فقاہت تلقی می‌کند (ایزدهی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). چیزی که بعدها به فقه‌المصلحت معروف شد و امام نیز به آن معتقد بود. درواقع با این رویکرد فقهی و ظرفیت اجتهاد، ایدئولوژی انقلاب اسلامی براساس مقتضیات و مصالح از انجماد خارج شده و توان حرکت به جلو و روزآمدی و پویایی خود را دارد. این یعنی ایدئولوژی می‌تواند همچون آرمان، پویا بوده و در زمان سیروورت کند.

۶. نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد تا مطابق با نظریات اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی معرفت و دولت به مسئله نسبت میان ایدئولوژی انقلاب اسلامی و آرمان‌های اجتماعی در نظام فکری آیت‌الله خامنه‌ای پرداخته شود. بر همین اساس ابتدا گفته شد که ایدئولوژی به معنای خواست‌های نظام سیاسی است و آرمان نیز به معنای آرمان‌ها یا مطالبات اجتماعی است. گفته شد که ایدئولوژی معمولاً دچار انجماد و ایستایی خواهد شد و کمتر توان حرکت در طول تحولات و تغییرات اجتماعی را دارد. در مقابل تغییرات اجتماعی پدیدار شده و پدیدآورنده آرمان‌های اجتماعی می‌توانند باشند. بر این مبنا چالش اصلی ایدئولوژی زمانی شکل می‌گیرد که تغییرات اجتماعی، آرمان‌هایی را حامل می‌شود که در ایدئولوژی پاسخی برای آن‌ها نیست و این یعنی توان واپایش اجتماعی در نظام سیاسی با اختلال و ضعف روبه‌رو می‌شود. اما در اندیشه رهبر انقلاب اسلامی، آرمان‌خواهی و پویایی جزو پیشران و محرک ایدئولوژی تلقی می‌شود.

ایشان معتقد است عناصر تشکیل‌دهنده ایدئولوژی انقلاب براساس آموزه‌های اسلامی و مطابق با فطرت بشری است و لذا سخنی جدید و جذاب محسوب می‌شود؛ بنابراین ایشان از یک سو به ضرورت تبیین حقایق تأکید دارد که شامل دشمن‌شناسی و چرایی دشمنی با آمریکا، دستاوردهای انقلاب اسلامی و درنهایت اصول و آرمان‌های درون ایدئولوژی انقلاب اسلامی می‌شود و از سوی دیگر به ضرورت نقد و مطالبه‌گری اجتماعی توجه نشان می‌دهد که خود عاملی برای روزآمدی و تداوم انقلاب اسلامی است.

نکته مهم و اساسی در جهاد تبیین این است که رهبری افزون بر مخاطب قراردادن ائمه جمعه، نظامیان و سایرین، دانشجویان را بیش از دیگران مورد خطاب قرار می‌دهد؛ چرا که در تغییر نسلی، زبان مفاهیم نیز تغییر می‌کند و اگر دانشجویان در جایگاه تبیین‌کننده ایدئولوژی قرار گیرند، چالش کنترل اجتماعی تا حد زیادی رفع می‌شود و شرایط سازواری دولت و جامعه پدید می‌آید. همچنین روحیه پرسشگر و مطالبه‌گر دانشجویان سبب روزآمدی ایدئولوژی خواهد شد؛ البته مطالبه‌گری که در سخن رهبری با راهکار عملیاتی نیز همراه باشد؛ بنابراین رهبری تلاش می‌کند تضاد ماهوی آرمان و ایدئولوژی را که یکی به نظر مبهم و دیگری به عمل تمایل دارد برطرف کند؛ یعنی مطالبه‌گری خود در صحنه رفع چالش برای رسیدن به آرمان‌ها حضور یابد. این رویکرد رهبری نیز ریشه در ظرفیت اجتهاد و فقه جواهری دارد که می‌تواند براساس اقتضائات و مصالح عمل کند. باین‌همه، ایدئولوژی انقلاب اسلامی به دلیل ماهیت الهی و فطرت‌گرا نمی‌تواند مطالبات دنیاخواهانه و لذت‌جویانه را در خود جای دهد. همچنان که در الگوی ذیل قابل‌مشاهده است، تبیین دقیق حقیقت یا ایدئولوژی انقلاب اسلامی و همچنین بازنمایی مطالبات اجتماعی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی، توان دولت را برای کنترل اجتماعی و پاسخ‌گویی به تغییرات اجتماعی افزایش می‌دهد و دولت می‌تواند از ضعیف به قوی تبدیل شود.



نمودار ۲. الگوی استخراجی رابطه جهاد تبیین (ایدئولوژی) و مطالبه‌گری (آرمان‌های اجتماعی) در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

۷. منابع

قرآن.

نهج البلاغه.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۶). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۱). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

ایزدهی، سیدسجاد (۱۳۸۶). *نظام سیاسی و دولت مطلوب در اندیشه سیاسی ملا احمد نراقی و محمدحسن نجفی (صاحب جواهر)*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

اینگلهارت، رونالد و ولزل، کریستین (۱۳۸۹). *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*. ترجمه یعقوب احمدی. تهران: کویر.

باکاک، رابرت (۱۳۹۰). *صورت‌بندی‌های فرهنگی جامعه مدرن*. ترجمه مهراں مهاجر. در: *درآمدی بر فهم جامعه مدرن*. کتاب یکم، تهران: آگه.

بال، ترنس و دگر، ریچارد (۱۳۸۶). *ایدئولوژی‌های سیاسی و آرمان‌های دموکراتیک*. ترجمه احمد صبوری. تهران: وزارت امور خارجه.

تقفی، ابراهیم بن محمد (۱۴۰۱). *ترجمه القارات*. به کوشش و ترجمه سید محمود زارعی. تهران: بیان معنوی.

حیائی، طاهره و حیائی، محمدحسین (۱۴۰۱). *گستره جهاد تبیین در اندیشه دفاعی امام خامنه‌ای*. معرفت سیاسی، ۲۷، ۷-۲۰.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۱). *مراسم سیزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی*. ۱۳۸۱/۰۳/۱۴.

_____ (۱۳۸۲). *جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی*. ۱۳۸۲/۰۲/۲۲.

_____ (۱۳۸۶). *دانشجویان نخبه و نفرت برتر کنکور و فعالان تشکل‌های سیاسی فرهنگی دانشگاه‌ها*. ۱۳۸۶/۰۷/۱۷.

_____ (۱۳۸۸). *دیدار دفتر رهبری و سپاه حفاظت ولی امر*. ۱۳۸۸/۰۵/۰۵.

_____ (۱۳۹۳). *دیدار مسئولین نظام و سفرای کشورهای اسلامی*. ۱۳۹۳/۰۳/۰۶.

_____ (۱۳۹۴). *دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی*. ۱۳۹۴/۰۲/۲۶.

_____ (۱۳۹۵). *دیدار جمعی از دانشجویان*. ۱۳۹۵/۰۴/۱۲.

_____ (۱۳۹۹ الف). *سخنرانی تلویزیونی به مناسبت ولادت حضرت امام عصر (عج)*. ۱۳۹۹/۰۱/۲۱.

_____ (۱۳۹۹ ب). *ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی*. ۱۳۹۹/۰۲/۲۸.

_____ (۱۴۰۰ د). *در پایان مراسم عزاداری اربعین حسینی*. ۱۴۰۰/۰۷/۰۵.

_____ (۱۴۰۰ ج). *دیدار تصویری با مردم آذربایجان شرقی*. ۱۴۰۰/۱۱/۲۸.

_____ (۱۴۰۰ ب). *دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی و پدافند هوایی ارتش*. ۱۴۰۰/۱۱/۱۹.

_____ (۱۴۰۰ ه). *دیدار مداحان اهل بیت علیه‌السلام*. ۱۴۰۰/۱۱/۰۳.

_____ (۱۴۰۰ و). *دیدار نمایندگان خبرنگاران رهبری*. ۱۴۰۰/۱۲/۱۹.

_____ (۱۴۰۰ ز). *سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ودومین سالگرد رحلت امام خمینی*. ۱۴۰۰/۰۳/۱۴.

_____ (۱۴۰۱ الف). *دیدار ائمه جمعه سراسر کشور*. ۱۴۰۱/۰۵/۰۵.

_____ (۱۴۰۱ ب). *دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی*. ۱۴۰۱/۰۳/۰۴.

خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۱). *جریان‌شناسی فکری ایران معاصر*. تهران: دفتر نشر معارف.

رجایی، فرهنگ (۱۳۸۸). *ایدئولوژی و جهان‌بینی ایرانی: صدور فرهنگی انقلاب*. در: *انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن*. ترجمه محسن

مدیرشانه‌چی. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

روشه، گی (۱۳۶۸). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نشر نی.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). *الأمالی*. ج ۱. قم: دارالثقافه.
- عزیزی، مرتضی و پیرانی، شهره (۱۴۰۱). کاربرد نرم‌افزاری فضای مجازی در جهاد تبیین. *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۴۳، ۱۸۷-۲۱۳.
- عمانی، مهدی، پورقهرمانی، بابک و بیگی، جمال (۱۴۰۱). جهاد تبیین؛ راهبردی پیشگیرانه در قبال تفکر اجباری ناشی از فناوری هارپ. *رهیافت‌های نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی*، ۵، ۲۶-۴۲.
- عنایت، حمید (۱۳۸۹). *اندیشه سیاسی در اسلام معاصر*. ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی. تهران: خوارزمی.
- عیسی‌نیا، رضا (۱۳۹۹). جهاد تبیین در زمانه جمهوری اسلامی ایران و نقش روحانیت در آن. *پژوهشنامه تبلیغ اسلامی*، ۴، ۲۹-۴۱.
- فیسک، جان (۱۳۸۱). فرهنگ و ایدئولوژی. ترجمه مژگان برومند. *مجله ارغنون*، ۲۰.
- قنبری، عطا (۱۴۰۰). تحلیلی بر جریان تطهیر حکومت پهلوی و واکاوی فرمان جهاد تبیین در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی. *مطالعات تاریخی*، ۷۵، ۱۳۹-۱۶۰.
- الگار، حامد (۱۳۸۸). نیروهای مذهبی در ایران قرن بیستم. در: *تاریخ ایران کمبریج*. جلد هفتم. قسمت سوم: دوره پهلوی. تهران: مهتاب.
- مانهایم، کارل (۱۳۸۰). *ایدئولوژی و یوتوپیا*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: سمت.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۲). *مروج الذهب*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- میگدال، جونل (۱۳۹۵). *دولت در جامعه (چگونه دولت‌ها و جوامع یکدیگر را متحول ساخته و شکل می‌دهند)*. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- وجدانی، خدیجه (۱۴۰۱). بایسته‌های مهارتی جهادگران تبیین از منظر اسلام. *همایش تحقیقات کاربردی در حوزه قرآن و حدیث*، ۲، ۸۷-۱۱۰.
- وینسنت، اندرو (۱۳۶۸). *ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی*. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: ققنوس.
- هانتینگتون، سموئل (۱۳۸۶). *سامان سیاسی در جوامع دست‌نخوش دگرگونی*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علم.
- Migdal, J. S. (1988). *Strong societies and weak states; state- society Relationship and state capabilities in the third worlds*: Princeton University Press.
- Ngo, F. et al. (2011). Role-Taking and Recidivism: A test of Differential Social Control Theory. *JQ: Justice Quarterly*, 28, 667-697.
- Ross, E. A. (2009). *Social Control: Control A Survey of the Foundations of Order*. New Jersey (Piscataway): Transaction Publishers.
- Scruton, R. (1982). *A Dictionary of Political Theory*. London: McMillan Press.
- Young, K. (1930). *Social Psychology: An Analysis of Social Behavior*. New York: Alfred A. Knopf (digital text).